

مسئولیت مدنی ناشی از اضطرار در معاملات از منظر حقوق ایران و فرانسه

افشین مجاهد^۱

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی میبد، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، وکیل دادگستری (نویسنده مسئول)

چکیده

اضطرار، وضعی است که در آن، انسان تحت فشار درونی مجبور می‌شود یک عمل حقوقی را انجام دهد و یا مرتکب یک عمل نامشروعی شود و در پی آن به دیگری خسارت وارد کند. فعل مضطر در صورتی موجد مسئولیت است که از نظر اجتماع و اخلاق عمومی ناهنجار باشد. یکی از موضوعاتی که در معاملات مضطر می‌تواند منشأ اثر حقوقی باشد، بحث سوءاستفاده از اضطرار مضطر توسط طرف دیگر معامله می‌باشد. مفهوم سوء استفاده از اضطرار در معنای عام خود هم شامل معاملات اضطراری ناشی از اکراه و هم در برگیرنده معاملات اضطراری که در معنای خاص کلمه از وضعیت اضطراری مضطر سوء استفاده شده می‌باشد. از آن جایی که ماده ۲۰۶ قانون مدنی معاملات اضطراری را صحیح دانسته است، بسیاری از متعاملین با آگاهی از وضعیت اضطراری و شرایط خاص مضطر، از این حالت سوءاستفاده کرده و وارد معامله با مضطر می‌شوند. از طرفی، در مواردی متعامل، شرایط اضطراری را برای فردی ایجاد نموده و از این رهگذر وارد معامله با او می‌شود. در مقابل، آن چه از ملاک حدیث رفع فهمیده می‌شود آن است که صحت معاملات مضطر در راستای رفع حالت اضطرار وی می‌باشد. بنابراین در موارد سوء استفاده از اضطرار و در جایی که متعامل از وضعیت و شرایط اضطراری مضطر سوء استفاده نموده و بهره‌برداری ناروا می‌نماید و معامله ناعادلانه‌ای را با وی منعقد می‌سازد باید در اعتبار چنین معامله‌ای تردید نمود و از لحاظ حقوقی آن را غیرنافذ دانست و یا اینکه حداقل به مضطر این حق داده شود تا با مراجعه به دادگاه صالح، تعهد گزاف و نامعقول خود را تعدیل نموده و به حد متعارف برساند.

واژه‌های کلیدی: اضطرار، مضطر، سوءاستفاده از اضطرار، تقصیر، مسئولیت مدنی

مقدمه

امروزه به دلیل گسترش رفاه و سازمان‌های خیریه همانند گذشته اضطراب در موارد ساده‌ای مانند فروش مال برای رفع گرسنگی وجود ندارد، اما در اثر بالا رفتن هزینه‌های زندگی و نیازهای مبرم جدید، فشار ناشی از اضطراب به اشخاص به مراتب سنگین‌تر و نگران‌کننده‌تر از نوع سنتی آن است و به علت بالا بودن مشکلات و فشارهای اقتصادی، معاملات و قراردادهای ناشی از اضطراب افزایش پیدا کرده است و در بعضی از مواقع از این مسئله سوءاستفاده‌هایی می‌شود. (امیر ایناللو و نورشرق، ۱۳۹۹، ۱۱۹) مثلاً امروزه شخص ممکن است برای درمان بیماری همسر خود مجبور شود خانه خود را بفروشد. با این شرایط و با توجه به وضعیت اقتصادی و منفعت طلبی برخی ممکن است از این اضطراب سوء استفاده شود. با وجود اضطراب، حرمت فعل حرام مرتفع و مجازات آن منتفی می‌شود و اعمالی هم که مضطر از روی ناچاری و بر حسب ضرورت انجام دهد در اینجا طبق قاعده اضطراب حلال خواهد بود. بدون تردید اضطراب، وصف تقصیر را از فعل زیانبار زدوده و اقدامی را که در وضعیت عادی، نامشروع و حرام است، مشروع و مباح می‌سازد. (عبدی، ۱۳۹۷، ۷۷) ولی ضمان و مسئولیت مدنی بر عهده شخص مضطر باقی خواهد ماند. بنابراین رفع مسئولیت کیفری شخص به معنی عدم مسئولیت مدنی نمی‌باشد. سوءاستفاده از اضطراب در معنای عام خود به دو صورت ممکن است واقع شود. اول آنکه طرف مقابل بدون اینکه دخالتی در ایجاد شرایط اضطرابی داشته باشد، اقدام به بهره‌برداری نامشروع از این حالت می‌کند. دوم آنکه، چنین وضعیتی را همین شخص منتفع ایجاد می‌کند و با بهره‌برداری نادرست از وضعیت ایجاد شده، قرارداد نامتعادلی را بر مضطر تحمیل می‌کند. در معاملات مضطر، شرایط صحت معامله رعایت شده است و ثانیاً اصل لزوم قراردادهای مقتضی عدم تخطی از مفاد قرارداد می‌باشد. بهترین وجه در تفکیک معاملات مضطر در این حوزه می‌باشد که بتوان، «سوءاستفاده از اضطراب» مورد مسئولیت ناشی از ضمانت اجرای هر معامله را با توجه به شرایط آن تعیین نمود. سوءاستفاده از اضطراب زمانی تحقق می‌یابد که قراردادی غیر عادلانه به فردی که در شرایط اضطرابی قرار دارد، تحمیل شود، به گونه‌ای که در نتیجه شرایط اضطرابی موجود، بر خلاف میل باطنی به آن تن دهد. برای اینکه از این اضطراب سوءاستفاده شود، بایستی قرارداد منعقد غیرمتعارف یا ناعادلانه باشد. همچنین بایستی طرف قرارداد از وجود وضعیت اضطرابی آگاهی داشته باشد و همان پیشنهاد انعقاد قراردادی ناعادلانه را به شخص مضطر ارائه نماید. در معاملات اضطرابی ناشی از اکراه بر سبب معامله، در حالتی که خود متعامل جهت معامله با فردی، برای او شرایط اضطرابی ایجاد می‌کند و در اثر معامله مزبور نیز ضرری متوجه مضطر می‌شود، در این صورت به نظر می‌رسد ضمانت اجرای مناسب، عدم نفوذ معامله باشد چرا که اولاً رکن مادی اکراه تحقق یافته است؛ ثانیاً در اکراه لازم نیست اکراه‌کننده، وسیله تهدید و فشار را خود فراهم آورده باشد بلکه کافی است از وسیله‌ای که قبلاً فراهم آمده است مانند اضطراب؛ برای وارد کردن فشار و تحمیل قرارداد بر دیگری بهره‌برداری کند. در همین حالت اگر ایجاد شرایط اضطرابی توسط متعامل که موجب ورود ضرر به مضطر شده

است، سبب شود که مضطر برای رفع شرایط اضطراری دست به معامله با شخص دیگری غیر از متعامل بزند، در این صورت به نظر می‌رسد معامله وی صحیح است چرا که اولاً نمی‌توان ایجاد شرایط اضطراری توسط متعامل را به معامله مضطر با شخص ثالث مرتبط کرد و اصل نسبی بودن قراردادها در این زمینه حاکم می‌شود؛ ثانیاً مبنای حدیث رفع که همانا امتنان به حال مضطر می‌باشد، در مورد معاملات او مجرا است. البته این در صورتی می‌باشد که شخص ثالث از وضعیت اضطراری ایجاد شده، آگاهی نداشته باشد؛ والا معامله وی نیز غیر نافذ خواهد بود. (نورآبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۲) مبنای اضطرار و اکراه به عنوان دو عامل معافیت از مسئولیت در حقوق اسلامی، حدیث رفع است. اما با این تفاوت که اضطرار طبق نظریه فقهای اسلامی و همچنین علما حقوق عامل مشروع کننده است و مسئولیت مدنی ناشی از جرم و شبه جرم فقط عنوان مجرمیت را از آن بر می‌دارد و نمی‌تواند مسئولیت مدنی را از عامل زیان بردارد. لذا شخص مضطر نمی‌تواند با استناد به اضطرار خود رفع مسئولیت مدنی کند. در اضطرار تقصیر بر شخص مضطر ثابت نیست، ولی بر اساس قاعده فقهی «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» و قاعده «ملائت بدون جهت» مضطر مسئول جبران خسارت است. حال اگر این اضطرار برای رفع ضرر از دیگری باشد قاعده احسان حکمفرماست. قاعده‌ای که باید مورد حمایت قانونی قانونگذار قرار گیرد و به تعبیر قانون فرانسه تحت عنوان رفتار فداکارانه مورد حمایت قرار می‌گیرد. اصولاً اضطرار عامل رافع مسئولیت مدنی است اگرچه ممکن است طبق سایر قواعد مسئولیت مدنی مانند استیفا مضطر مسؤول و مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده شود. شایسته است در قانون تصریح شود که اضطرار رافع مسؤولیت مدنی است یا خیر. بر این مبنا بهتر است به قانون مسئولیت مدنی ماده‌ای تحت این عنوان اضافه شود و یا لااقل تبصره‌ای به ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی اضافه شود و به عدم مسئولیت مدنی مضطر اشاره نماید. (ابهری و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۴) با توجه به ماهیت موضوع، تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود

۱- مفهوم اضطرار و تاریخچه آن

در ترمینولوژی حقوق راجع به مفهوم اضطرار چنین آمده، در فقه و حقوق مدنی حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل، طوری است که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به آن کار، به سابقه آن اوضاع و احوال، آن کار را علیرغم میل باطنی خود، ولی از روی قصد و رضای خاصی که آن را در حقوق مدنی رضای معاملی می‌نامند آن معامله یا آن کار را انجام می‌دهد و این مقدار از رضا، حداقل رضایی است که وجود آن شرط نفوذ عقد است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ۵۶) برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند: اضطرار، فشاری است که در اثر وضعیت و شرایط داخلی حاصل

می‌گردد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۱) اضطراب، ممکن است از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جسمی، عواطف و احساسات شخص مضطرب یا حوادث طبیعی و غیرمترقبه ناشی شود. چنانکه می‌دانیم ضروری است تهدید در اکراه به صورت مستقیم باشد؛ لذا این امکان نیز وجود دارد که وضعیت اضطرابی در نتیجه فشار و تهدید غیر مستقیمی به وجود آید که به شخصی تحمیل شده است، و این شخص برای احتراز از اثر این تهدید، ناچار از انجام آن عمل شود، این وضعیت را نیز بایستی اضطراب تلقی کرد، مگر اینکه تهدید انجام شده، عرفاً مستقیم در نظر گرفته شود. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۹۴ و ۲۴۴) یکی دیگر از حقوقدانان می‌گوید اضطراب حالتی است که در آن، شرایط و اوضاع و احوال خارجی به نحوی می‌باشد که مضطرب بدون این که توسط کسی مورد تهدید یا فشار قرار گیرد، با قصد قبلی ولی بدون رضایت واقعی و علی‌رغم میل باطنی خود، تحت تأثیر شرایط و مقتضیات موجود، به قبول تعهد یا انجام عملی مبادرت نماید. بر اساس این تعاریف، اولاً شخص مضطرب بدون طیب نفس دست به اقدام می‌زند، یعنی اگرچه مضطرب معامله‌ای را انجام می‌دهد ولی به تعبیر حقوقی، طیب نفس و رضای کامل ندارد؛ ثانیاً عامل اصلی چنین حالتی، اجبار و فشار درونی است یعنی عامل ایجاد اضطراب عامل انسانی بیرونی نمی‌باشد؛ بر خلاف اکراه که فشار و اجبار بیرونی سبب ایجاد آن می‌شود. (امامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۱۹۴) پس اضطراب حالتی است که شخص به منظور مصون نگه داشتن خود و یا دیگری از خطر زیانبار موجود و قریب الوقوع به ناچار ضرر کمتری را بر دیگری که در به وجود آمدن این خطر زیانبار نقشی نداشته است (شخص ثالث) وارد نماید و همانطور که از این تعریف بر می‌آید و برخی اساتید متذکر شده‌اند، ایراد زیان در حالت اضطراب به صورت عمدی برای احتراز از زیان بزرگتر صورت می‌گیرد. (صفایی، ۱۳۸۹، ۵۵۸) برخی دیگر معتقدند اضطراب، ضرورتی است که شخص مجبور به انجام انشاء، تصرف، ... و یا عمل نامشروع می‌شود. گاهی شخص برای حفظ جان خود یا مال خود، مال کم بهتری را فدا می‌کند و در حالتی دیگر، شخص در اثر احساسات خیرخواهانه و بر اثر نوع دوستی برای نجات و حمایت از جان یا مال کسی، مال کم ارزش تری را فدا می‌کند. گاه دیگر شخص برای حفظ منفعتی که از دیگری است، منفعتی را که برابر آن است فدا می‌کند. (انتظاری، ۱۳۷۷، ۶۰) در فرانسه، حقوقدانان این کشور اضطراب را یکی از حالات مختلف اکراه دانسته و آن را تحت عنوان اکراه ناشی از مقتضیات خارجی یا اکراه ناشی از حوادث مورد بررسی قرار داده‌اند. (غفوریان، ۱۳۶۰، ۱۲۹) پیروزا، در تعریف اضطراب می‌گوید: اضطراب حالتی است که شخص در آن حالت مجبور است برای نجات خود یا دیگری مرتکب عملی شود که قانون جزا آن را مجازات می‌نماید. به نظر می‌رسد در تعریف فوق دو اشکال وجود دارد: اول آنکه فقط شامل نجات نفس می‌شود و اضطراب در مال را در بر نمی‌گیرد. دوم آنکه، ترک فعل را در بر نمی‌گیرد. مثل اینکه شخصی جهت شهادت باید در دادگاه حاضر شود و بر اثر طغیان رودخانه نتوانسته است و از این ناحیه ضرری متوجه مشهوده می‌شود. (نورآبادی، ۱۳۹۶، ۷) پلی فوریه در این زمینه می‌گوید: «حالت اضطراب حالتی است که انسان در آن حالت در وضعی قرار دارد که برای حفظ نفس یا مال و یا حق خود ناچار از ارتکاب جرم می‌شود.» این تعریف در عین

جامعیت در برگیرنده عمل شخص مضطر برای نجات نفس یا مال دیگری نمی‌شود. گارو در این خصوص می‌گوید: حالت اضطرار، حالتی است که به علت یک واقعه ناشی از طبیعت یا از انسان در شخص به وجود می‌آید و مرتکب در آن حالت برای نجات خود یا دیگری از خطر مهم قریب الوقوعی که به نحو دیگری قابل اجتناب نیست خویشتن را مجبور به ارتکاب فعل یا ترک فعل که جرم محسوب است می‌بیند. به عبارت دیگر فشار اوضاع و احوال، شخص را مجبور می‌کند که یک عمل غیرقانونی را مرتکب شود. از لحاظ تاریخی می‌توان گفت که بشر در دوره‌های مختلف قانونگذاری به این نهاد حقوقی به عنوان یکی از علل معافیت و تبرئه کننده توجه داشته است. در قانون حمورابی که از قدیمی‌ترین قانون تدوین شده مکشوفه ملل سامی است و در حدود دو هزار سال قبل از میلاد تدوین گردیده، به طور ضمنی به مسئله اضطرار توجه شده است. در ماده ۱۲۴ این قانون آمده است اگر مردی اسیر شود و در خانه او طعام و نفقه نباشد و زن او به خانه مرد دیگری وارد شود آن زن مجرم نیست و شماتتی بر او نمی‌باشد. (احمدی و استانی، ۱۳۵۱، ۲۴) از مفهوم این ماده استفاده می‌شود که بر اساس این قانون، ورود زن به خانه مرد اجنبی جرم بوده، لکن در حالت اضطراری صفت مجرمانه بودن عمل زائل می‌گردد و به خاطر اینکه عمل زن شوهردار از روی ناچاری و اضطرار بوده قابل مجازات و سرزنش تلقی نشده است. در مسیحیت نیز به اضطرار توجه شده است، به طوری که در باب دوازدهم انجیل متی آمده است که حضرت مسیح عمل طرفدارانش را که از شدت گرسنگی ناچار به چیدن و خوردن خوشه‌ها شده بودند را به استناد عمل حضرت داوود که در تورات آمده جایز اعلام کرده است. از این رو بر می‌آید که بر اساس نظر حضرت مسیح عمل حرام در شرایط اضطراری مباح می‌گردد و پیروان حضرت عیسی بعداً بر اساس این نظر عمل اضطراری را جایز دانسته و فتاوی زیادی در قرون وسطی در این مورد صادر کرده‌اند. (پورعباسی، ۱۳۷۵، ۷۵) در قوانین روم قدیم نیز به مسئله اضطرار توجه شده و در یکی از اصول حقوق آمده است: «آنچه ضرورت ایجاب می‌کند موجه است.» (کمره، ۱۳۵۳، ۲۹) بر اساس این قاعده کلی مشخص می‌شود که حقوق روم تأثیر اضطرار در جرایم ارتكابی را به طور عام و کلی پذیرفته و طبق نظر برخی حقوقدانان در حقوق روم، عدم مجازات مجرم اضطراری استوار بر فقدان سوء نیت و یا قصد مجرمانه بوده است. (علی آبادی، ۱۳۴۷، ج ۱، ۲۱۱) در حقوق ژرمانیک بر حسب اصل «ضرورت قانون ندارد» و یا بر حسب وظایف متقابل مفهوم حالت ضرورت توسعه یافته و شامل حالات بسیاری شده است. (گارو، بی‌تا، ج ۱، ۶۳۷) قوانین ژرمانیک به مسافر اجازه می‌داد خوراک ضروری مرکوب خسته خود را از دیگری تصرف کند. در قرون وسطی در موقع بروز قحطی، سرقت اضطراری که در حین تحمل رنج گرسنگی ارتکاب می‌شد قابل مجازات نبود و این طور توجیه می‌کردند که در موقع بروز خطر کلیه اموال مشترک می‌شوند و چنین فرض می‌شده که مالک هیچگاه میل ندارد همونوعش از گرسنگی تلف شود. در حقوق اسلام، اضطرار به عنوان یکی از عوامل صدور احکام ثانویه مطرح گردیده است که بر اثر آن تمامی مفاد احکام اولی تعطیل گردیده و مقررات جدید و خاصی در شرایط اضطراری برای شخص مضطر در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر

در حقوق اسلام با ایجاد حالت اضطرار بسیاری از حرام‌ها و جرائم برای شخص مضطر حلال و مباح اعلام شده است. در اسلام آیات و روایات متعددی در تأیید اعتبار آمده است: ۱- آیات وارده در باب اضطرار در قرآن کریم عبارتند از: آیه ۱۷۳ سوره بقره، آیه ۴ سوره مائده، آیه ۱۴۵ سوره انعام، آیه ۱۱۵ سوره نحل، آیه ۱۱۹ سوره انعام که مفاد آیات یاد شده تماماً در خصوص مقررات مربوط به اضطرار در اکل میته و سایر محرمات می‌باشد. همچنین روایات بسیاری درباره عدم مسئولیت شخص مضطر در حالات اضطراری در فقه اسلامی آمده و اهم آن‌ها حدیث معروف رفع می‌باشد که پیامبر اسلام فرموده‌اند: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَا، وَالنَّسْيَانُ، وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ مَا لَا يَطِيقُونَ، وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْحَسَدُ، وَالطَّيْرَةُ، وَالتَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَقَّةٍ» مسئولیت نه چیز، از امت من برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه بدان مجبور شوند، آنچه نمی‌دانند، آنچه از توانشان بیرون است، آنچه بدان ناچار شوند، حسادت، فال بد زدن، و تفکر وسوسه آمیز در آفرینش، تا زمانی که به زبان آورده نشود. فقهاء اسلام معتقدند که بر اساس این حدیث می‌توان قاعده اضطرار را به دست آورد و به استناد این قاعده برای شخص مضطرب هیچ چیز حرام و ممنوع نمی‌باشد و عمل اضطرار سزاوار مجازات نیست. لکن در مسئولیت مدنی شخص مضطر این طور استدلال شده که چون حدیث رفع در مقام امتنان و توسعه امور مسلمین وضع شده و ضرر و زیان ناشی از عمل اضطراری، دیگری را در تنگنا و سختی قرار می‌دهد، لذا به استناد امتنانی بودن حدیث رفع، شخص مضطر مسئول جبران خسارت وارده بر دیگری خواهد بود و به عبارت دیگر قاعده اضطرار رافع احکام تکلیفی است. لکن احکام وضعی را در بر نمی‌گیرد. (پورعباسی، ۱۳۷۵، ۷۹)

۲- آثار معامله اضطراری و مسئولیت ناشی از آن در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در بحث عیوب اراده بر خلاف اکراه که رضای حاصل از آن را در ماده ۱۹۹ موجب عدم نفوذ معامله می‌داند در ماده ۲۰۶ به صراحت بیان می‌دارد: اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. بنابراین حکم مقرر در قانون مدنی معاملاتی را که در نتیجه اضطرار واقع می‌شود صحیح و نافذ است. با این حال آیا در هر شرایطی باید معامله مضطر را طبق ماده فوق الذکر صحیح بدانیم؟ به طور مسلم چنین معامله‌ای که در نتیجه فشار اهرم اضطرار انجام شده و منجر به بهره‌کشی از وی می‌شود، از نظر قانون مدنی و نویسندگان آن قابل قبول نیست، لذا چنین معامله‌ای صحیح و معتبر نمی‌باشد. (نوروزی، ۱۳۸۰، ۶۳) به طور کلی، قانون مدنی در لابلای مواد مربوط به اکراه با تأکید بر این امر که اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نمی‌شود، معامله اضطراری را معتبر اعلام کرده است. بنابراین در قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از قراردادها با صراحت ماده ۲۰۶، مضطر هیچگونه شانس برای تخفیف یا

ابطال تعهدات ناشی از معامله اضطراری ندارد. هر چند که وجود قصد و سلامت رضا توأمأ شرط صحت عقد است و در حالت اضطرار بنا به فرض رضای مضطر معیوب است با وجود این مضطر به اجرای کلیه تعهدات خود می باشد ولو اینکه هیچگونه تعادل و تناسبی هم بین عوض و معوض وجود نداشته باشد. اگرچه علی الاصول قواعد کلی مربوط به اعتبار معاملات در قانون مدنی حاکم بر کلیه قراردادهاست و اگر مثلاً معامله اضطراری معتبر است این قاعده صرفنظر از موضوع قرارداد همیشه باید جاری باشد. (پروین نبی، ۱۳۹۳، ۸۴) مبنای اصلی صحت معامله اضطراری، مصالح اجتماعی و اصل ثبات و استواری معاملات است و حقوق نیز به ملاحظه همین مصالح، رضایت و طیب نفس اولی و وجود اختیار در همه دواعی را برای صحت قراردادها لازم ندانسته، بلکه فقط رضایت ثانوی و معاملی را کافی دانسته و اختیار در انتخاب نزدیکترین داعی را مورد توجه قرار داده است و در فقه نیز میان فقهای شیعه اتفاق نظر وجود دارد که معاملات اضطراری صحیح و نافذ بوده و ادله اکراه شامل آن نمی شود. حدیث رفع که عمده عدم نفوذ معاملات اکراهی محسوب می شود در اینجا جاری نمی شود چون بطلان و عدم نفوذ معامله مضطر، خلاف امتنان و در نهایت به ضرر مضطر است، زیرا در صورت بطلان قرارداد، مضطر حق تصرف در عوض آن را ندارد، چون ملک غیر محسوب می شود و به او منتقل نشده است و به این ترتیب نمی تواند ضرورتی را که برای او پیش آمده برطرف کند. باید توجه داشت آنچه تاکنون مطرح گردید، حکم وضعی معاملات اضطراری است؛ یعنی از لحاظ وضعی این قراردادها صحیح و نافذند اما اینکه از جهت تکلیفی چه حکمی دارند بحث دیگری است. در حقوق ایران به مسئله سوءاستفاده از اضطرار اشاره نشده و راه حل خاصی برای آن تعیین نگردیده و جمعی از حقوقدانان با استناد به ظاهر ماده ۲۰۶ ق.م.ا.نگونه قراردادها را صحیح و نافذ تلقی کرده اند. (حائری شهاباغ، ۱۳۷۶، ۱۶۴) گاهی اوقات، شخص در شرایط اضطراری قرار می گیرد و ناگزیر از انجام معامله در این شرایط می شود. ایجاد این شرایط معمولاً ناشی از فشارهای اقتصادی است که شخص را وادار به انجام معامله می کند. اصولاً معاملات اضطراری صحیح تلقی می شوند، چون شخص معامله کننده دارای قصد و رضا می باشد لیکن گاهی اوقات، دیگران از شرایط اضطراری ایجاد شده برای مضطر سوء استفاده می کنند. در زمینه وضعیت حقوقی معاملات اضطراری باید گفت، اگر معامله اضطراری در حالت عادی منعقد شده باشد، معامله صحیح خواهد بود اما اگر از وضعیت اضطراری مضطر سوء استفاده شده و قراردادی غیر عادلانه منعقد شود، مضطر حق خواهد داشت تا با مراجعه به دادگاه، خواهان تعدیل قرارداد اضطراری شود و آن را به شرایط عادلانه و معقول بازگرداند. باید معاملات اضطراری را تفکیک کرد و قائل به جواز معاملات اضطراری شد که در آن ها سوء استفاده صورت نگرفته باشد. (حکیمیان، ۱۳۹۶، ۴۳۲) شاید بتوان بسیاری از قراردادهای الحاقی را نیز جزء موارد سوء استفاده از اضطرار بر شمرد یعنی اگر تولید کننده یک کالای ضروری، با سوء نیت، انحصار تولید آن را در دست بگیرد و به خاطر ضروری بودن کالا، عموم افراد جامعه مجبور باشند برای استفاده از آن فقط با همین تولید کننده انحصاری وارد معامله شوند و در این شرایط تولیدکننده شروط غیر منصفانه و غیر عادلانه ای را در

ضمن قرارداد الحاقی به افراد تحمیل کند، به طور قطع از مصادیق بارز سوء استفاده از وضعیت اضطراری محسوب می‌شود. در میان مقررات موضوعه فقط ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران که از قانون فرانسه اخذ شده است به طور صریح به سوء استفاده از اضطرار اشاره نموده و حکم آن را بیان کرده است. این ماده با عنوان «امکان تغییر یا فسخ قرارداد کمک و نجات» در این باره مقرر می‌دارد: هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد ممکن است به تقاضای هریک از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود. در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حيله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد ذکر شده به نسبت خدمت انجام یافته فوق العاده زیاد یا کم است، دادگاه می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر داده یا بطلان آن را اعلام نماید. همان گونه که ملاحظه می‌شود، مورد این ماده جایی است که قرارداد اضطراری ناشی از خطر بوده و در آن شرایط غیر عادلانه گنجاها شده باشد، ولی می‌توان به وسیله تنقیح مناط، این حکم را به موارد مشابه نیز سرایت داد. هر چند ضمانت اجرایی پیش بینی شده در این ماده با قواعد عمومی مدنی تفاوت دارد، ولی به هر حال این مطلب نشانگر این است که تفکیک دقیق میان مصادیق اضطرار و اکراه چندان مورد توجه قانونگذار نیست و حداقل سوء استفاده از اضطرار را در نفوذ عقد مؤثر می‌بیند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ۵۱۲) حتی اگر با استفاده از ادله احکام اولیه فقهی و قواعد کلی حقوقی نتوان به عدم نفوذ معاملات اضطراری که مورد سوء استفاده قرار گرفته حکم نمود به طور قطع در بسیاری موارد از باب عناوین ثانوی همچون ضرورت اجتماعی و مصلحت جامعه و نظام بشری می‌توان به این مقصود دست یافت. مثلاً در مواردی که کالا یا خدمت از ضروریات زندگی عموم است و افراد جامعه نسبت به استفاده از آن اضطرار دارند و به ویژه در موارد احتکاری و انحصاری اگر تولید کننده یا عرضه کننده آن با سوء نیت بخواهد از اضطرار جامعه بهره برداری ناروا نماید، دولت می‌تواند از باب عناوین ثانوی، از قبیل مصلحت حفظ نظام و غیره، در مسئله دخالت کند و بنا به مصالح اجتماعی به حمایت از طرف مضطر وارد عمل شود. از لحاظ اجتماعی نیز ضروری است که از هر دو شخص مکره و مضطر حمایت شود لیکن حمایت از مکره به این است که چون انشاء قرارداد بر او تحمیل شده، قرارداد غیر نافذ باشد زیرا در اغلب موارد اکراه، مکره نیاز مبرمی به انعقاد قرارداد ندارد. بنابراین عدم نفوذ قرارداد منافع او را کاملاً تأمین و او را تحت حمایت قانون قرار می‌دهد. اما حمایت از مضطر درست نقطه مقابل این قضیه است چون مضطر نیازمند به انعقاد قرارداد است. ناچاری او به انعقاد معامله، اقتضا می‌کند که شیوه حمایت از او با مکره متفاوت باشد و حکم به نفوذ قرارداد او می‌شود زیرا او برای برآورده شدن نیاز مبرم خود قرارداد را منعقد نموده است و حمایت از او در گرو صحت قرارداد است، در نتیجه، منطبق حقوقی و مصلحت مضطر، اقتضای صحت قرارداد او را دارد. (اراکي، ۱۴۱۵، ج ۱، ۲۷۰) در نتیجه با انعقاد قرارداد اضطراری و توانایی مضطر به انجام تعهدات ناشی از آن، اضطرار منتفی می‌گردد و متعهد قرارداد، مضطر شمرده نمی‌شود و در نتیجه قرارداد نافذ است چون یکسان شدن قرارداد

اکراهی و معامله مبتنی بر سوء استفاده از اضطرار، علاوه بر اینکه عرف مساعد یکسانی نیست، حقوق زیان دیده و مضطر را در حقوق ایران نیز تأمین نمی‌نماید. (پروین نبی، ۱۳۹۳، ۱۱۸) ضمانت اجرای صحت، عدم نفوذ و حق فسخ نیز گرچه در مواردی می‌تواند معاملات ناشی از سوء استفاده از اضطرار را پوشش دهد، ولی از جامعیت لازم در این حوزه برخوردار نمی‌باشد. مثلاً در جایی که متعامل، شرایط اضطراری را خود برای مضطر ایجاد کرده است، نمی‌توان قائل به صحت معامله مضطر شد، چرا که شرایط اکراهی شدن معامله به وجود آمده است. یا در موردی که مضطر از قیمت واقعی معامله آگاهی داشته است، نمی‌توان حق فسخ را به واسطه خیار غبن برای مضطر پذیرفت زیرا در خیار غبن، جهل به قیمت واقعی معامله شرط می‌باشد. از طرفی وقتی اضطرار مضطر به واسطه عوامل درونی است، حکم به عدم نفوذ معامله سبب تشدید وضعیت اضطراری او می‌شود و این امر با مبنای حدیث رفع که همانا امتنان به حال مضطر است، سازگار نمی‌باشد. بر این اساس در حالتی که خود متعامل جهت معامله با فردی برای او شرایط اضطراری ایجاد می‌کند و در اثر معامله مزبور نیز ضرری متوجه مضطر می‌شود، در این صورت به نظر می‌رسد ضمانت اجرای مناسب، عدم نفوذ معامله باشد. (نورآبادی و سعادت مصطفوی، ۱۳۹۶، ۱۵۱) اشتراط تقصیر در تحقق برخی مسئولیت‌ها باعث نمی‌شود که با انتفای تقصیر کسی که در نتیجه اضطرار ضرری را به دیگری وارد کرده است، مسئولیت نداشته باشد. بلکه تحت عناوین دیگر مثل اتلاف و تسبیب می‌توان به وی مراجعه کرد. بنابراین در مواردی که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر نیست و احراز رابطه علیت بین زیان وارده و عمل شخص، برای تحقق مسئولیت کفایت می‌کند، شخص مضطر معاف از مسئولیت مدنی نیست. این رابطه علیت بر خلاف اجبار، هرگز از بین نمی‌رود هرچند که اضطرار عمل زیانبار را توجیه می‌کند، لذا انتساب فعل به مرتکب به طور قطع موجود است و خللی در ارکان مسئولیت وارد نمی‌آورد (قاعده اتلاف). در مواردی هم که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است، مضطر به عنوان مقصر محسوب نمی‌شود و نمی‌توان بر اساس مسئولیت مدنی به وی مراجعه کرد، ولی از این لحاظ که به هر حال هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، می‌توان بر مبنای استفاده بلاجهت به او مراجعه کرد و او را مسئول جبران ضرر بدانیم. گاهی ممکن است مضطر به جهت منافع دیگری، اقدام به انجام عملی نماید ولی با این کار خود، به منافع و اموال شخص ثالثی زیان وارد نماید. در این موارد اقدام مضطر، گاهی در جهت منافع عمومی است، مثلاً شخصی برای ممانعت از سرایت آتش به خانه‌های شهر، خانه محروق را خراب می‌کند. گاهی هم اقدام وی، متوجه دفع ضرر از منافع فرد خاص است. مثلاً پزشکی برای نجات جان بیمار، داروی دیگری را به او می‌دهد و بدین وسیله به بیمار اولی زبانی می‌رساند. برخی حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ۲۸۴) در این زمینه معتقدند که در این موارد به دلیل اینکه مضطر برای رفع خطر از دیگری، زیان وارد کرده است و در این اقدام استفاده و سودی نکرده، نمی‌توان او را بر مبنای استفاده بدون جهت ضامن خسارت بدانیم، ولی از طرف دیگر، ضرر ثالث باید جبران شود. به همین خاطر کسی که تلف مال دیگری برای حفظ جان یا مال او صورت گرفته است، بر مبنای استفاده بدون جهت باید ضرر

وارد را جبران کند. به عبارت دیگر در موردی که دفع ضرر از دیگری مستلزم ورود زیان به دفع کننده یا ثالث است، کسی که اقدام به عمل مزبور برای حفظ جان یا مال او انجام گرفته است، حسب مورد بر مبنای استیفا که ممکن است مشروع یا نامشروع باشد یا اداره مال غیر مسئول شناخته می‌شود. (پارساپور، ۱۳۸۲، ۱۵۶) حتی اگر شخص متعهد قادر به پرداخت خسارت نباشد، بنا بر اقتضای قاعده احسان نمی‌توان مضطر را ملزم به جبران خسارت کرد. در نهایت در مواردی مثل اتلاف که تقصیر در آن شرط نیست، احراز رابطه علیت بین زیان وارده و فعل شخص کفایت می‌کند و مسئولیت مضطر بر اساس اتلاف باقی است و بر مبنای تئوری استفاده بلاجهت هم در مواردی که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است و در واقع مضطر هم تقصیری مرتکب نشده، می‌توان به او مراجعه کرد. نقش اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت غیرقابل انکار است، ولی اضطرار به تنهایی موجب عدم مسئولیت مدنی نمی‌گردد، بلکه به قاعده‌ای دیگر به عنوان مکمل نیازمند است، همانند موردی که اضطرار تنها در حوزه حکم دادن قاضی و اجرای آن وارد شده است و ضرورتی در عدم جبران خسارت پدید نیامده است. نکته دیگر آنکه، قاعده اضطرار همیشه در پی سلب مسئولیت نیست، بلکه در مواردی که ضرر در جامعه محقق می‌گردد و قابل انتساب نیست، اضطرار جامعه به جبران این ضرر موجب می‌گردد که بر عهده دولت قرار گیرد. لذا بایستی درصدد برگزیدن مبنای درست در نقش قاعده اضطرار در رفع و ایجاب مسئولیت مدنی برآمد. (علیشاهی قلعه جوقی و دانش نهاد، ۱۳۹۶، ۹۳)

با مطالعه تطبیقی قاعده اضطرار در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل معلوم می‌گردد که علاوه بر اشتراکات این دو نظام، تفاوت‌هایی نیز میان آن دو وجود دارد. از جمله اینکه در حقوق بین‌الملل، مسئولیت صرفاً ناشی از تخلف نسبت به اجرای تعهدات می‌باشد و چون اضطرار از بین برنده ماهیت خلافکارانه عمل است، جبران خسارت ناشی از اضطرار ضروری نیست، در حالیکه در حقوق اسلام، هرکس به دیگری آسیب رساند، مسئول جبران خسارت وارده است. علاوه بر آن در حقوق اسلام، اضطرار بر ماهیت عمل اثر نمی‌گذارد. تفاوت دیگر اینکه در حقوق بین‌الملل، اضطرار و ضرورت باهم متفاوت هستند. حال آنکه در حقوق اسلام برخی این دو را یکی می‌دانند و برخی، ضرورت را وسیع‌تر از اضطرار و مواردی که مصالح و منافع حیاتی اسلام و جامعه اسلامی به خطر می‌افتد را نیز مشمول آن می‌دانند. همچنین در حقوق بین‌الملل، وجود خطر جانی شرط اصلی است، اما در حقوق اسلام، ضرر مالی و حیثیتی را نیز در بر می‌گیرد. وجه تمایز دیگر اینکه اگرچه در هر دو نظام، حالت اضطرار نباید ناشی از عمل مضطر باشد، ولی در حقوق اسلام اگر فعل، ناشی از سهو و عدم تقصیر فاعل باشد، می‌تواند به اضطرار استناد کند ولی در حقوق بین‌الملل اقدامات سهوی مستثنی نشده است. (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۷، ۹۷)

۳- آثار معامله اضطراری و مسئولیت ناشی از آن در حقوق فرانسه

در قانون مدنی فرانسه بحثی از اضطرار به میان نیامده، لیکن این خلاء قانونی به وسیله دکترین حقوقی و آرائی که توسط محاکم قضایی فرانسه صادر می‌شود جبران شده است. در دکترین حقوقی تفسیری که از مواد راجع به اکراه (ماده ۱۱۰۹ به بعد) شده است، اضطرار را در قرارداد مؤثر نمی‌دانند ولی در مواردی که از اضطرار به عنوان اهرم فشار، استفاده نامشروع می‌شود، مورد توجه خاصی است. در فرانسه گروهی از حقوقدانان معتقدند که قرارداد انعقاد یافته بر اساس اضطرار را می‌توان به وسیله فقدان اراده آزاد قابل ابطال دانست. زیرا تصور اینکه رضای ناشی از اضطرار سالم است، دشوار است. ممکن است برای توجیه بی اثر بودن اضطرار در عقد به مفهوم جزایی حقوق رم متوسل شد. بدین توضیح که اکراه در این نظام حقوقی جنبه جزایی داشته و مکره به خاطر اکراه مجازات می‌شده است. (Mazeaud, 1980, p.157) شاید بی اثر دانستن معامله اضطراری به منظور جلوگیری از ضرر طرف معامله باشد، لذا کسانی که به عدم صحت عقد مضطر نظر دارند به قواعدی مثل دارا شدن غیر عادلانه، اداره اموال غایب و یا غبن برای جبران ضرر طرف غیر مضطر استناد می‌نمایند. در حقوق فرانسه، اضطرار از نفوذ و صحت عقد نمی‌کاهد و هرچند قانون مدنی در هیچ ماده‌ای به اضطرار تصریح نکرده ولی با توجه به تفسیری که حقوقدانان فرانسه از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی و مواد بعدی آن کشور ارائه می‌دهند، معلوم می‌شود که حالت اضطرار، اکراه یا عیب اراده محسوب نمی‌شود. (هزاوه، ۱۳۵۴، ۷۵) در حالی که در اکراه مادی معامله باطل و در اکراه معنوی معامله قابل ابطال است. بعضی از حقوقدانان کشور فرانسه به این نکته تصریح کرده‌اند که هرگاه بهره برداری و استفاده متعامل، همراه با آگاهی و سوء استفاده از شرایط خاص مضطر باشد، در چنین وضعیت و اوضاع و احوال نمی‌توان مورد را از موارد اضطرار دانسته و عقد را صحیح تلقی نمود. بعضی دیگر نیز تعهد گزاف و نامتعادل مضطر را بر مبنای تعهد بدون علت یا استفاده بدون جهت غیر معتبر دانسته‌اند. محاکم فرانسه در مواردی همانند اینکه، مساعدت‌کنندگان کشتی در حال غرق از موقعیت اضطراری سرنشینان آن سوء استفاده نموده و در ازاء یاری، تعهد گزافی را به آنان تحمیل نموده‌اند، مورد را ملحق به اکراه دانسته‌اند و این نظر در قوانینی همانند قانون ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ که در مورد کمک و نجات دریایی است مورد تأیید قرار گرفته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ۵۱۲) و در قانون ۷ ژوئیه ۱۹۶۷ مربوط به حوادث بحری، در ماده ۱۵ آن مقرر شده است که قراردادهای منعقد در مورد کمک دریایی قابل بطلان هستند. در حقوق فرانسه با وجود اینکه رویه قضایی و دکترین حقوقی در تفسیر مواد ۱۱۰۹ به بعد قانون مدنی مدنی این کشور اضطرار را مؤثر در قرارداد ندانسته و اکراه به حساب نمی‌آورند، لیکن در موارد سوء استفاده از اضطرار گرایش بدین سمت است که آن را ملحق به اکراه نمایند. اولین و مهمترین اظهارات نظر قضات فرانسوی در مورد مسأله اضطرار و تعهدات ناشی از آن رأی اصولی ۲۷ آوریل ۱۸۸۷ دیوان عالی کشور فرانسه می‌باشد که موضوع دعوی و خلاصه رأی بدین شرح است: در این دعوی یک کشتی که در خطر غرق بوده است از کشتی دیگری استمداد می‌نماید. ناخدای کشتی

نجات دهنده از موقعیت بحرانی و نا امید کننده کشتی در حال خطر بهره‌برداری نموده و با تحمیل قراردادی در ازاء مبلغ هجده هزار فرانک حاضر به نجات آن می شود. تلاش ناخدای کشتی در حال خطر برای کاهش این مبلغ گزاف به جایی نمی‌رسد و قرارداد منعقد می‌شود ولی شخص اخیر به محض رسیدن به مقصد با ادعای اضطرار تقاضای ابطال قرارداد منعقد را می نماید که این ادعا به وسیله دادگاه بدوی و دیوان عالی کشور پذیرفته می‌شود و برای خدمات انجام شده توسط کشتی نجات دهنده مبلغ چهار هزار فرانک دستمزد یا غرامت تعیین می‌گردد. در رأی صادره علت ابطال قرار داد بدین نحو توجیه شده است. وقتی رضایت آزادانه نبوده و تحت تأثیر حالت ترس ناشی از یک خطر قابل ملاحظه و حال حاضر داده شده است قرارداد حاصل از آن متصف به ایرادی است که آن را قابل ابطال می‌نماید. (غفوریان، ۱۳۶۰، ۱۳۷) خارج از قلمرو قرارداد نجات و کمک در دریا نیز دیوان عالی کشور فرانسه همین رویه را حفظ کرده است که در اینجا به دو رأی صادره در این خصوص اشاره می‌شود. «در این دعوی یک نفر یهودی مطب دندانپزشکی خود را در زمانی که فرانسه تحت اشغال آلمان ها بوده است می‌فروشد و بعد از جنگ مدعی می‌شود که به واسطه توصیه کمیسر پلیس مبنی بر ترک هرچه زودتر منطقه و اخطار شخص ناشناسی دائر بر تصرف آن، در حالت اضطرار بوده است. دادگاه استان این ادعا را به واسطه اینکه اکراه در این شرایط مستلزم عمل انسان است رد می‌کند. دیوان عالی کشور رأی دادگاه را نقض ولی به طور صریح در این مورد اظهار نظر نمی‌کند.» ؛ «در مورد دیگری کارگری که به واسطه بیماری فرزندش نیاز شدید به پول داشته قرارداد کاری با کارفرما منعقد می کند که به طور واضح و آشکار غیر منصفانه و غیر عادلانه بوده است. دادگاه استان قرارداد مذکور را به واسطه اکراه معنوی (اضطرار) باطل اعلام می‌کند، کارفرما از این رأی فرجام می‌خواهد و دیوان عالی کشور تقاضای فرجام او را رد نموده نظر دادگاه استان را عیناً تایید می‌کند.» در حقوق فرانسه نیز گرایش به این سمت است که موارد سوء استفاده از اضطرار را به عیوب اراده و اکراه ملحق کنند و یا بر مبنای تعهد بدون علت و یا استفاده بلاجهت، تعهد گزاف مضطر را بی اعتبار سازند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ۵۱۳) در حقوق فرانسه، اضطرار مسئولیت مدنی را منتفی می‌سازد. هرچند، اغلب حقوقدانان فرانسه نیز غیر قابل جمع بودن اضطرار و تقصیر را می‌پذیرند ولی در عین حال جبران خسارت را پیشنهاد می‌کنند و تقصیر عامل زیان یا شخص دیگر در ایجاد شرایط اضطراری را مورد استناد قرار می‌دهند. گاهی استدلال می‌کنند که چون خسارت ناشی از شیء یا حیوان است و محافظ و نگاهدارنده مسئولیت بدون تقصیر دارد، جبران خسارت باید صورت گیرد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۷۷) در حقوق فرانسه اعمالی که فعل زیانبار را مشروع و عامل آن را از مسئولیت مبری می‌کند عبارتند از: دفاع مشروع، اضطرار یا حالت ضرورت، اجرای حکم قانون یا مقام صالح، و اکراه. به عنوان مثال، اگر شخصی در مقام مدافع مشروع و یا مضطر بر حسب قاعده، اقدام به عملی نماید و از این طریق به دیگری زیان وارد شود، عمل او نامشروع یا تقصیر نیست، البته عمل مضطر باید مطابق با شرایط و قواعدی باشد که در شرع و قانون مشخص شده، والا عمل ارتكابی قابل انتساب به شرایط اضطراری نمی‌باشد. در موارد

اضطرار اگر شخص به دیگری زبانی وارد نماید، مطابق عدالت و قواعد حقوقی ملزم به جبران ضرر می‌باشد، هر چند که عمل او به حکم شرع و قانون تجویز شده ولی متضرر نیز شایسته این خسارت نیست زیرا در این مورد هیچ دخالتی در ایجاد ضرر نداشته است. بنابراین باید به دنبال راه حلی بود که زیان وارده تا حد امکان جبران شود. به طور کلی می‌توان گفت در حقوق فرانسه، اضطرار رافع مسئولیت مدنی است. به عنوان مثال، راننده ماشینی برای فرار از سقوط در پرتگاه به داخل خانه‌ای می‌رود و از دیوار آن خانه به عنوان محافظ استفاده می‌کند و در پی آن دیوار را خراب می‌کند. در اینجا نمی‌توان راننده را مرتکب تقصیر دانست، زیرا رفتار او منطبق با عمل هر انسان عاقل و متعارفی است که در چنین شرایطی برای حفظ جان خود یا همراه، دست به انجام این عمل می‌زند ولی از این جهت که صاحبخانه هم شخص بی‌گناهی است و مستحق تحمل این ضرر نمی‌باشد و از طرف دیگر صاحب ماشین، با این اقدام در واقع به نوعی سود و انتفاع که همان نجات از مرگ حتمی است، دست یافته است. برخی حقوقدانان فرانسوی معتقدند که فرد مذکور باید بر اساس تئوری استفاده بلاجهت از عهده خسارتی که به ثالث وارد آمده است بر آید. (Mazeaud et Tunc, 1965, p.492) به طور کلی دو نظریه وجود دارد. برخی از حقوقدانان فرانسه اعتقاد دارند که عامل ورود زیان یعنی مضطر هر چند در انجام عملی که کرده است مرتکب تقصیر نشده، لیکن باید خسارتی را که در جهت منافع عموم یا فرد خاص ایجاد کرده است در حدود نفعی که به دست می‌آورد جبران نماید. (Savatier, 1951, p.105) در مقابل عده کثیری از نویسندگان حقوقی علی‌رغم نظر فوق، عقیده دارند که در این موارد اگر نتوان شخصی را مسئول ایجاد شرایط اضطراری دانست باید قائل به این شد، شخصی که مال دیگری، برای حفظ جان یا مال او مورد تلف واقع شده است باید به عنوان استفاده کننده بدون جهت، ضامن پرداخت خسارت باشد. (Colin et Capitan, 1953, p.1126) بسیاری از دادگاه‌های فرانسه نیز، اعمال مضطر را در این فرض، تحت عنوان رفتار فداکارانه (acta de devouement) می‌شناسند و اعلام کرده‌اند کسی که رفتار فداکارانه‌ای داشته است می‌تواند مسئولیت ناشی از خسارت رفتار و اعمال خود را متوجه کسی کند که ایجاد شرایط اضطرار، متعلق به اوست و علت اصلی مداخله مضطر او بوده است. یا مثلاً در مورد مسئولیت پزشک اعتقاد دارند وقتی ضرورت ایجاب کند، باید تمامیت جسمی انسان به خاطر سلامتی همان جسم تا حدودی فدا شود و حالت ضرورت اقتضا می‌کند که عمل مضری برای جتناب از ضرر مهم‌تر ارتکاب یابد و این تشخیص با پزشک و جراح است. بنابراین هرگاه پزشک بر حسب اضطرار و ضرورت، به منظور حفظ جان مریض، وی را عمل جراحی نماید، حتی اگر عمل او باعث از بین رفتن یکی از اعضای بدن او شود، مسئول نمی‌باشد. به عنوان مثال اگر قطع پا به خاطر جلوگیری از پیشرفت سرطان به سایر اعضای بدن و در نتیجه نجات جان بیمار صورت گیرد، پزشک جراح نسبت به این اقدام اضطراری مسئول نیست. (نوروزی، ۱۳۸۰، ۱۲۵)

نتیجه گیری

در قوانین موضوعه ایران، مسئولیت اصولاً مبنی بر تقصیر است و حقوقدانان مسئولیت مدنی فرد مضطر را ثابت دانسته و وی را مسئول جبران خسارات وارده می دانند. برای تحقق مسئولیت مدنی مضطر در حقوق ایران با توجه به برخی مقررات جزایی (ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی) و قانون مسئولیت مدنی و قانون مدنی در مواردی مثل اتلاف که تقصیر در آن شرط نیست، احراز رابطه علیت بین زیان وارده و فعل شخص کافی می باشد و در مواردی که تقصیر شرط است ولی این عامل وجود ندارد، بر مبنای تئوری استفاده بلاجهت می توان به او مراجعه کرد. هرچند قانونگذار معاملات اضطراری را صحیح و نافذ دانسته است، ولی این امر به معنای پذیرش قراردادهای منعقد ناشی از سوءاستفاده از اضطرار نمی باشد. عدالت و انصاف حکم می کند در مواردی که از اضطرار طرف قرارداد بهره برداری ناروایی می شود، به حمایت از مضطر پرداخته شود و حکم معاملات چنین شخصی را مشمول ماده ۲۰۶ قانون مدنی ندانیم. سوء استفاده از اضطرار وضعیتی است که در آن قراردادی غیرعادلانه به فردی که در شرایط اضطراری قرار دارد تحمیل می شود و مضطر به واسطه همین شرایط اضطراری، بر خلاف میل و رضای خود تعهد گزافی را قبول می کند یا از حق خود نسبت به طرف مقابل می گذرد. اگرچه مصالح اجتماعی ایجاب می کند که قراردادهای اضطراری معتبر شناخته شود ولی همین مصالح، قانونگذار را بر آن می دارد که هنگامی که از این شرایط اضطراری سوءاستفاده می شود، از طرف مضطر حمایت لازم را به عمل آورد. در بررسی حکم معاملات اضطراری، باید بحث اضطرار محض را از مسئله سوء استفاده از اضطرار تفکیک نموده یعنی در برخی موارد به واسطه شرایط خاصی که پیش آمده، شخص مضطر مجبور به انجام معامله ای می شود که رضایت قلبی نسبت به آن ندارد، اما در این میان کسی به او ظلم و ستمی روا نمی دارد، بلکه قرارداد را به صورت متعارف و با شرایط عادلانه منعقد می کند که در اینجا فقط اضطرار محض وجود دارد. اما گاهی اوقات، از اضطرار شخص مضطر سوء استفاده می شود و قرارداد ظالمانه ای به او تحمیل می شود که در حکم معاملات اضطراری در قرارداد مبتنی بر سوء استفاده نظریه صحت قرارداد با حق خیار به نظر منطقی تر می رسد چرا که این نظریه با قواعد عمومی قراردادهای منطبق تر است. زیرا جبران یا پیشگیری از وقوع ضرر به زیان دیده در حقوق ایران و فقه امامیه به وسیله جعل و اعطا خیار، امری مطابق قاعده است. بنابراین فرد در صورت انجام فعل اضطراری از مسئولیت کیفری مبری خواهد بود و مجازات نخواهد داشت، ولی ثبوت مسئولیت مدنی بر عهده او باقی خواهد ماند و دیه و ضمان مالی بر گردنش ثابت بوده و ملزم به رد خسارات وارده می باشد.

منابع

- ابهری، حمید و فرزندگان، محمد و ظهوری، سمیه (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی و حقوقی مفهوم و شرایط اضطرار و تأثیر آن در مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۰.
- احمدی و استانی، عبدالغنی (۱۳۵۱)، «اضطرار- ضرورت»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۱.
- اراکي، محمد علی (۱۴۱۵)، کتاب البیع، ۱۴۱۵ق، چ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- امامی، سید حسن (۱۳۶۴)، دوره حقوق مدنی، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة
- امیر ایناللو، فربرز و نورشرق، جمشید (۱۳۹۹)، «سوء استفاده از اضطرار و قراردادهای ناشی از آن»، ماهنامه کانون، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲.
- انتظاری، علیرضا (۱۳۷۷)، اضطرار در معاملات، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- پارساپور، محمد باقر (۱۳۸۲)، «اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی»، مجله نامه مفید، پیاپی ۴۰.
- پروین نبی، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از اضطرار»، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات - فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- پورعباسی، قاسم‌علی (۱۳۷۵)، نقش اکراه و اضطرار در مسئولیت مدنی خارج از قراردادها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، ترمینولوژی حقوق، چ ۳۰، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حائری شاه باغ، سید علی (۱۳۷۶) شرح قانون مدنی، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حکیمیان، علی محمد (۱۳۹۶)، «حکم فقهی سوء استفاده از اضطرار و اثر آن در قرارداد»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷) تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۹)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: انتشارات میزان.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چ ۱، قم: انتشارات یاران.
- عبدی، یاسر (۱۳۹۷)، «تحلیل فقهی حقوقی آثار اضطرار در مسئولیت غیر قراردادی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۱.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۸۷)، «اضطرار و آثار آن در مسئولیت بین‌المللی دولت از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهارم.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۴۷)، حقوق جنایی، ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات فردوسی.

علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و دانش نهاد، محمد (۱۳۹۶)، «مبانی قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت»، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره پیاپی ششم.

غفوریان، احمد (۱۳۶۰)، «نقش اضطرار در مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۲.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ج ۲، تهران: انتشارات بهنشر.

کمره، مجتبی (۱۳۵۳)، «صد اصل حقوق روم»، مجله حقوق مردم، شماره ۳۷ و ۳۸.

گارو، رنه (بی تا)، مطالعات نقدی و عملی در حقوق جزا، ترجمه سید ضیاءالدین نقائب، ج ۱، تهران: انتشارات حقوقی ابن سینا.

نورآبادی، علیرضا (۱۳۹۶)، «سوء استفاده از اضطرار در فقه امامیه، حقوق ایران و نظام حقوقی رومی ژرمنی»، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع).

نورآبادی، علیرضا و سعادت مصطفوی، سید مصطفی (۱۳۹۶)، «وضعیت معاملات مضطر در حالت سوء استفاده از اضطرار با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجارت بین المللی»، دو فصلنامه علمی تخصصی آموزه های حقوقی گواه، سال سوم، شماره دوم.

نوروزی، حسین (۱۳۸۰)، «اضطرار در اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع).

هزاوه، محمدرضا (۱۳۵۴)، «بررسی و مقایسه اکراه در حقوق مدنی فرانسه، انگلیس، اسلام و ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.

Colin et Capitan, Cours elementaire de droit civil Francais par de la morandiere. Paris. Dalloz, ۱۹۵۳

Mazeaud (H.J.L) et Tunc, Traite theorique et Pratique de la responsabilite civile Delictuelles et Contractuell. 6 ed. Paris, 1965.

Mazeaud (H.J.L). Lecons de droit civil. Tom: 2. Paris.

Savatier (R). Traite de la responsabilite civile en droit francais. Paris. 1951.